

رسول خدا  
صلى الله عليه وسلم  
میرزا محمد تقی  
میرزا محمد تقی

## سیمای (ع)

# ع

## در آینه‌ی شعر فارسی

اشاره:

علی (ع) شمع جمع بشریت، صدای عدالت انسانیّت، بزرگ مرد دین و شریعت، یاور نبوت و سر سلسله‌ی ولایت و معدن عصمت و اسوه‌ی شجاعت تا آن حد بزرگ مرتبت است که در وصف او فقط همان می‌سزد که شهریار گفت:

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
متحیرم چه نامش که ملک لافتی را

آن بزرگ مرد در همه‌ی ارکان هستی حضور دارد و هر شاعر و نویسنده‌ای اگر بخواهد قلم بلند و چشم اندازهای شکوهمند را بستاند، ناگزیر علی را ستوده است. این که ستایش آن رادمرد راستین از کی، چگونه و بر زبان چه کسانی رفته، هدف این مقاله است.

چون علی (ع) یگانه کسی است که بعد از رسول خدا، مردم به حفظ و ضبط سخنانش توجه کرده‌اند. ابن ابی الحدید از عبدالحمید کاتب<sup>۱</sup> - که در فن نویسندگی ضرب المثل است - نقل می‌کند که گفت: «هفتاد خطبه از خطبه‌های علی (ع) را حفظ کردم و پس از آن ذهنم جوشید.»

یا عبدالرحیم بن کنانه که از خطبای عرب در دوره‌ی اسلامی است می‌گوید که سرمایه‌ی فکری

و ذوقی خود را از علی (ع) گرفته است.

ابن ابی الحدید در مقدمه‌ی شرح نهج البلاغه می‌نویسد: «به حق، سخن علی را از سخن خالق فروتر و از سخن مخلوق فراتر خوانده‌اند، مردم همه دو فن خطابه و نویسندگی را از او فرا گرفته‌اند.»

مرحوم شیخ محمد عبده هم در مقدمه‌ی شرح نهج البلاغه‌ی خود می‌گوید: «در همه‌ی مردم عرب زبان یک نفوس نیست مگر آن که معتقد است سخن علی (ع) بعد از قرآن و کلام نبوی شریف‌ترین، بلیغ‌ترین، پر معنی‌ترین و جامع‌ترین سخنان است.»

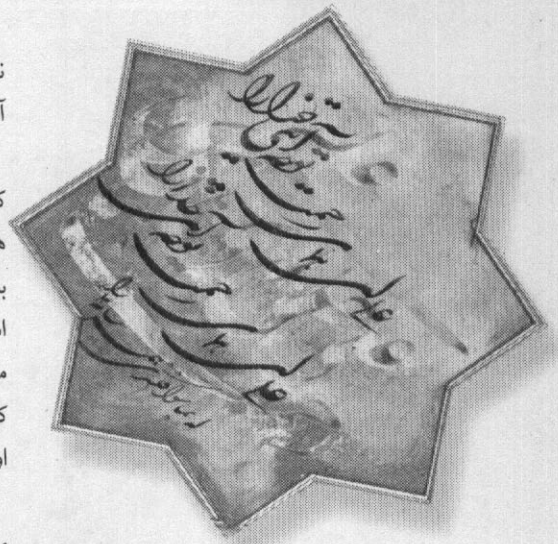
شبلی شَمیل<sup>۲</sup> سخنی درباره‌ی امام علی بن ابی طالب دارد: «الامام علی بن ابی طالب عظیم العظماء، نسخه مفردة لم ير لها الشرق ولا الغرب صورة طبق الأصل، لا قديماً ولا حديثاً.»<sup>۳</sup>

«امام علی بن ابی طالب بزرگ بزرگان است. او یکتا نسخه‌ای است که خاور و باختر در گذشته و حال صورت دیگری از آن، که مطابق با اصل باشد، به خود ندیده است.»<sup>۴</sup>

... یکی از نمونه‌های شعر متعهد اسلامی مدایحی است که شاعران در مدح پیامبر اسلام و اهل بیت سروده‌اند که اگر مجموعه‌ی اشعاری که



□ کرمانشاه - منصور صادقی



ناصر خسرو و امثال آنان و شاید برتر از برخی از آنان است.

در آن روزگار تیرگی و نعصب که برخی از کوردلان بی ایمان برای علی (ع) و اولاد او قائل به هیچ گونه فضایل نبودند سخن از تولای علی (ع) به میان آوردن و او را برترین خلق خدا بعد از پیامبر اسلام خواندن تنها کار مردانی چون کسایی مروزی است، حکیم کسایی با ذکر آیات قرآن کریم و بیان کلام الهی به اثبات حقایق علی (ع) و اولویت او بر دیگران پرداخته است.

در قرن چهارم و پنجم که تعصبات شدید مذهبی در میان فرقه های مختلف وجود داشت سخن از ستایش حضرت علی (ع) کار ساده و آسانی نبود و مستلزم داشتن ایمانی کامل و شهامتی کم نظیر بود. در چنین دورانی کسایی با بانگ بلند می سراید:

مدحت کن و بستای کسی را که پیامبر

بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد

جز شیر خداوند جهان حیدر کرار

این دین هدی را به مثل دایره ای دان

پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیغمبر

چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

یکی از بهترین قصاید کسایی، قصیده ی

فخیم و غرایی است که در مدح شاه ولایت،

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) سروده است

و با بیانی فصیح و دلنشین و ذکر آیاتی از قرآن کریم

حقائیت او را در جانشینی بلافضل پیامبر اکرم

به اثبات رسانده است.

این قصیده ی نغز و استوار در آبان ماه سال

۱۳۴۸ در مجله ی یغما طبع و منتشر شده است.

این قصیده نمونه ای از آثار گم شده ی یک

سخن سرای بزرگ می باشد که از نظر تحقیق و در

وضع فکری و اعتقادی آن روز ایران شایان توجه

است. بخشی از قصیده چنین است.

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین

فضل حیدر شیر یزدان مرتضای پاک دین

فضل آن کس کز پیغمبر بگذری فاضل تر اوست

فضل آن رکن مسلمانی امام المتقین<sup>۷</sup>

## ۲. فردوسی

استاد ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ حماسه سرای ایران و یکی از گویندگان مشهور عالم و از ستارگان درخشنده ی آسمان ادب فارسی و از مفاخر نامبردار ملت ایران است. او در وطن پرستی و اعتقاد به اهل بیت پیامبر اکرم اخلاص زایدالوصفی داشت و همین امر یکی از علل اختلاف او با محمود غزنوی است. که این معنی از هجونا می او در مورد محمود غزنوی به خوبی روشن است:<sup>۷</sup>

مرا غمز کردند کان پر سخن

به مهر نبی و علی شد کهن

من از مهر این هر دو شه نگذرم

اگر تیغ شه بگذرد بر سرم ...

ترسم که دارم ز روشن دلی

به دل مهر جان نبی و علی ...

اگر مهرشان من حکایت کنم

چو محمود را صد حمایت کنم

فردوسی در عقیده ی دینی خود ثابت قدم بود

و در مدح و نعت رسول اکرم (ص) و حضرت

علی (ع) در آغاز کتاب پراج خویش ابیات

متعددی سروده است:

منم بنده ی اهل بیت نبی

ستاینده ی خاک پای وصی

حکیم این جهان را چو دریا نهاد

برانگیخته موج از و تند باد

چو هفتاد کشتی بر او ساخته

همه بادبان ها برافراخته

یکی پهن کشتی به سان عروس

بیاراسته همچو چشم خروس

محمد بدو اندرون با علی

همان اهل بیت نبی و ولی

اگر چشم داری به دیگر سرای

به نزد نبی و وصی گیر جای

گرت زین بد آید گناه من است

چنین است و این دین و راه من است

بر این زادم و هم بر این بگذرم

چنان دان که خاک پی حیدرم

دلت گر به راه خطا مایل است

ترا دشمن اندر جهان خود دل است

درباره ی مدح امام علی (ع) و دیگر امامان سروده شده است گردآوری شود چندین جلد می شود. هر چند که پیشوایان اسلام همواره مدح و مدح گوئی را نکو دیده اند. **مَنْ مَدَحَكَ فَقَدْ ذَبَحَكَ** هر کس تو را ستود تو را نابود ساخت. شاعران متعهد هرگز به سوی مدح گوئی به معنای متعارف نمی گریابند و آن را مذموم می دانستند. هر چند که بعدها بیشتر شاعران مذهبی به ویژه در زبان فارسی از اصالت کار دور ماندند و در مدایح دینی نیز غرض اصلی را رها کردند.

باری در شعر مذهبی هدف کلی نشر مبادی دین است و زنده کردن حقایق ایمان و جاری ساختن خون حماسه و تعهد در جان ها و دل ها. از این رو شاعران متعهد همیشه برای حکومت های فاسد خطری بزرگ محسوب می شدند، زیرا آنان در خلال مدح آل محمد (ص) حقایق دینی و صفات لازم حاکم دینی را یاد می کردند و با ذکر صفات اسلامی امامان و مقایسه و تحقیر زمامداران دل هار با به حق و حکومت حق توجه می دادند.

در این مقاله سعی ما بر این است که به ذکر نمونه هایی از شعر شاعران پارسی گو در ستایش حضرت علی (ع) پردازیم.

## ۱- کسایی مروزی

کسایی را باید از سخنوران گرانمایه ی قرن چهارم دانست. او هم سنگ شاعرانی چون رودکی، فرخی، عنصری، منوچهری و

هر آن کس که در جانش بغض علی است  
از او زارتر در جهان زار کیست

### ۳. ناصر خسرو

شاعر و حکیم و جهانگرد و مبلغ توانا ناصر خسرو متوفی به سال ۴۸۱ هـ. ق از مردان معروف ایران به شمار می‌رود. شهرت شعری و جهان گردی او به وسیله‌ی دیوان و سفرنامه‌ی او آشکار بود تا این که پیدا شدن زادالمسافرین و جامع‌ال حکمتین او را به عنوان فیلسوف و وجه دین و خوان‌ال اخوان و گشایش و رهایش و شش فصل او را به عنوان متأله اسماعیلی معروف کرد.<sup>۸</sup>

ناصر خسرو برای علی (ع) شأن خاص و مقام والایی قائل است و از این رو در بسیاری از قصایدش خاندان پیامبر، به ویژه علی (ع) را مدح گفته است و حتی قصیده‌ای را جداگانه به مدح آن امام همام اختصاص داده است.<sup>۹</sup> و این غیر از ستایش‌ها و اوصافی است که گاه و بسی گاه در قصاید مختلف به طور مستقیم یا غیر مستقیم به مدح حضرت علی (ع) و اهل بیت اختصاص داده است. در این جا به گل چینی از آن اشعار بسنده می‌کنیم:

... ای گشاینده‌ی در خبیر، قرآن  
بی گشایش‌های خوبت خبیر است

دوستی تو و فرزندان تو

مر مرا نور دل و سایه سراسر است

خاطر من زر مدحت‌ها را

در خراسان بی خیانت زرگر است<sup>۱۰</sup>

\*\*\*

... خط خدای زود پیاموزی

گر در شوی به خانه‌ی پیغمبر

ندهد خدای عرش در این خانه

راحت مگر به رهبری حیدر

ایزد عطاش داد محمد را

نامش علی شناس و لقب کوثر<sup>۱۱</sup>

\*\*\*

... بنگر که خلق را به که داد و چگونه گفت

روزی که خطبه کرد نبی بر سر غدیر

دست علی گرفت و بدو داد جای خویش

گر دست او گرفت تو جز دست او مگیر

علم علی نه قال و مقال است عن فلان

بل علم او چو در تیم است بی نظیر<sup>۱۲</sup>

در این جا به بخشی از قصیده‌ی ۴۷ بیتی او که به طور کامل در مدح حضرت علی (ع) است اشاره می‌کنیم:

بهار دل دوستدار علی

همیشه پر است از نگار علی

دل‌م زو نگارست و علم اسپرم

چنین واجب آید بهار علی

به صد سال اگر مدح گوید کسی

نگوید یکی از هزار علی

به مردی و علم و به زهد و سخا

بنازم بدین هر چهار علی

نبود اختیار علی سیم و زر

که دین بود و علم اختیار علی

گزین و بهین زنان جهان

کجا بود جز در کنار علی

حسین و حسن یادگار رسول

نبودند جز یادگار علی...<sup>۱۳</sup>

### ۴. حکیم سنایی غزنوی

در میان شاعران و عارفان، حکیم سنایی در صف مقدم جای دارد و از سرآمدان حلقه‌ی تصوف و عرفان است.

سنایی اولین شاعری است که افکار تصوف و اصطلاحات عرفان و گفتار مشایخ را با ذوقیات شعری آمیخته و در قالب نظم درآورده است و سخنان بلند و معانی دل‌پسند حکما را لباس موزون پوشانیده است. سنایی به راستی تحوکی بزرگ در ادبیات فارسی به وجود آورده است. در «کتاب النقص» به بیستی از مناقب او در مورد حضرت علی (ع) اشاره شده است:

جانب هر که با علی نه نکوست

هر که گو باش من ندارم دوست<sup>۱۴</sup>

و گذشته از اشارات متأخرین در اقوال سنایی هم چندبار اشاره به حضرت علی (ع) و آل او و دعوی محبت آنان و تعریض به مخالفان ایشان است. در عشق‌نامه و صفی که از علی (ع) کرده است قابل توجه است. سنایی حضرت علی (ع) را بر همه برتری داده است و چنین گفته است:

اشجع و افصح و افضل و اکرم

از همه اعدل و از همه اعلم

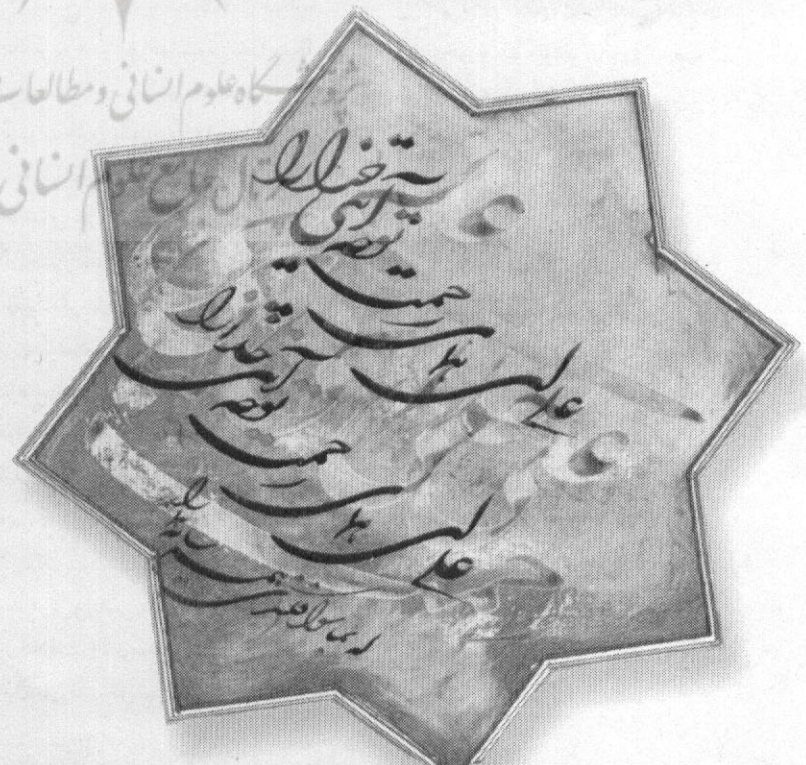
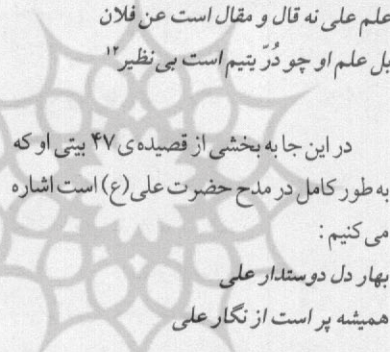
در حدیقه گفته است:

مر مرا مدح مصطفی است غدی

جان من باد جانش را به فدای

آل او را به جان خریدارم

و ز بدی خواه آل بیزارم



دوستدار رسول و آل و ایم  
 ز آن که پیوسته در نوال و ایم  
 گربد است این عقیده و مذهب  
 هم برین بد بداریم یا رب  
 من ز بهر خود این گزیدستم  
 کاندرین ره نجات دیدستم  
 و باز در حدیقه هنگام مدح امیرالمؤمنین  
 علی (ع) تصریحاتی به قبول امامت او دارد:

... نائب مصطفی به روز غدیر  
 کرده در شرع خود مراورا میر  
 ... رازدار خدای، پیغمبر  
 راز دار پیمبرش حیدر  
 ... تا بنگشاد علم حیدر در  
 ندهد سنت پیمبر بر  
 ... با مدیحتش مدارج مطلق  
 زهق الباطل است و جاء الحق

و تعریض هایی که به مخالفان حضرت  
 علی (ع) دارد همه دلیل قاطع بر حسب او نسبت به  
 آن امام همام است و ستایش سنایی از امام حسن و  
 امام حسین و بدگویی قتله ی امام حسین هم دلیل  
 دیگری بر اعتقاد شدید حکیم سنایی به آل  
 رسول (ص) است. در این جا به ذکر بخشی از یک  
 قصیده ی حکیم سنایی در دیوان او اشاره می کنیم:  
 جهان پر دردم می بینم، دوا کو  
 دل خوبان عالم را وفا کو؟  
 سراسر جمله عالم پر ز شیر است  
 ولی شیری چو حیدر با سخا کو؟  
 سراسر جمله عالم پر ز نانند  
 زنی چون فاطمه خیر النساء کو؟  
 سراسر جمله عالم پر شهید است  
 شهیدی چون حسین کربلا کو؟ ...<sup>۱۵</sup>

## ۵. عطار نیشابوری

فریدالدین عطار نیشابوری شاعر و عارف  
 نام آور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم است.  
 سخن درباره ی او سهل و ممتنع است؛ سهل به  
 این دلیل که چه در ایران و چه خارج از مرزهای  
 کشورمان کتاب های فراوانی در شرح اندیشه و بیان  
 احوال او انتشار یافته است و ممتنع است زیرا که  
 هنوز رازهای سر به مهری در اندیشه و آثار عطار  
 نهفته است که تاکنون دست هیچ توانایی در پی

گشودن آن به کار نیامده است.<sup>۱۶</sup>

در نهج البلاغه گفت و گوی امیرالمؤمنین  
 علی (ع) با مردی ذکر شده است که از دنیا مذمت  
 کرده است و علی (ع) او را که می پنداشت دنیای  
 مذموم، همین جهان مادی و عینی است مورد  
 ملامت قرار داد و به اشتباهش آگاه نمود، شیخ  
 عطار این گفت و گو را در مصیبت نامه به شعر  
 در آورده است:<sup>۱۷</sup>

آن یکی در پیش شیر دادگر  
 ذم دنیا کرد بسیاری مگر  
 حیدرش گفتا که دنیا نیست بد  
 بد تویی زیرا که دوری از خرد  
 هست دنیا بر مثال کشتزار  
 هم شب و هم روز باید کشت و کار  
 زان که عز و دولت و دین سر به سر  
 جمله از دنیا توان برد ای پسر

تخم امروز ینه فردا بر دهد  
 ورنکار در «ای دریغا» بر دهد  
 پس نکوتر جای تو دنیای توست  
 زان که دنیا توشه ی عقبای توست  
 تو به دنیا در مشو مشغول خویش  
 لیک در وی کار عقبا گیر پیش  
 چون چنین کردی تو را دنیا نکوست  
 پس برای این، تو دنیا دار دوست

شیخ عطار در منطق الطیر غیر از مناقب  
 حضرت علی (ع) در ضمن بیان حکایات و  
 تمثیل ها، اشارات زیادی به سخنان و رهنمودهای  
 حضرت علی (ع) دارد، که در این جا به بعضی از  
 آن ها اشاره می شود:  
 خواجه ی حق پیشوای راستین  
 کان علم و بحر حلم و قطب دین  
 ساقی کوثر امام رهنما

ابن عم مصطفی، شیر خدا  
 مرتضای مجتبی جفت بتول  
 خواجه ی معصوم و داماد رسول ...  
 مقتدای دین به استحقاق اوست  
 مفتی مطلق علی الاطلاق اوست ...

\*\*\*

چند گویی مرتضی مظلوم بود  
 و ز خلافت راندن محروم بود  
 چون علی شیر حق است و تاج سر

ظلم نتوان کرد بر شیر ای پسر

## ۶. جلال الدین مولوی

مولوی یکی از بزرگ ترین و تواناترین  
 گویندگان متصوفه و از عارفان نام آور و از متفکران  
 بلامنازع عالم اسلامی در قرن هفتم است.

مولوی در عین اعتقاد و دینداری کامل، مردی  
 آزادمنش بود و به اهل ادیان و مذاهب به دیده ی

احترام و بی طرفی می نگریست.<sup>۱۸</sup>

او چنان که خود می گفت و از او نقل کرده اند  
 با هفتاد و سه مذهب یکی بود و سخت گیری و  
 تعصب را خامی و نوعی ناپختگی می شمرد. به  
 عقیده ی او حضرت علی (ع) یکی از  
 شخصیت های آرمانی است که انسان های کامل و  
 از جمله خود مولوی برای رسیدن به اهداف عالی  
 خود باید به او اقتدا کنند، در دیوان غزلیات شمس  
 چنین آورده است:

زین هم رهان سست عناصر دلم گرفت  
 شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

در دفتر اوگ، چهارم و ششم مشنوی اشعار  
 گران قدری در مورد موضوع مورد نظر ما، ستایش  
 و مدح حضرت علی (ع) و بیان حکمت های او  
 آورده است.

دفتر اوگ: وصیت کردن رسول خدا (ص) (مر  
 علی (ع) را که چون هر کسی به نوع طاعتی تقرب  
 به حق جوید، تو تقرب جوی به صحبت عاقل و  
 بنده ی خاص تا از ایشان همه پیش قدم باشی:

گفت پیغمبر علی را کای علی  
 شیر حقی، پهلوانی، پردلی  
 لیک بر شیری مکن هم اعتماد  
 اندر آدر سایه ی نخل امید

هر کسی گر طاعتی پیش آورند  
 بهر قرب حضرت بی چون و چند  
 تو تقرب جو به عقل و سر خویش  
 نی چو ایشان بر کمال و بر خویش

اندر آدر سایه ی آن عاقلی  
 کش نتانند برد از ره ناقلی

پس تقرب جو بدو سوی اله  
 سر میبچ از طاعت او هیچ گاه ...  
 یا علی از جمله ی طاعات راه  
 برگزین تو سایه ی خاص اله



طریقت و حقیقت است. حافظ در اصول عقاید  
یعنی مکتب کلامی پیرو اشعری و در فروع (مذهب  
فقهی) هاشمی است و در عین حال آشکارا گرایش  
به تشیع دارد و مثل هر مسلمان پاک اعتقاد  
بی تعصب دوستانه خانواده عصمت و طهارت (ع)  
است.<sup>۲۰</sup> با این حال حافظ یک بار در غزلیاتش به  
طور صریح گفته است:

حافظ اگر قدم زنی هوره خانمان به صدق  
بدرقه‌ی رمت شود همت شحنه‌ی نجف  
و یک رباعی هم در این موضوع دارد:  
مردی فکننده‌ی در خبیر پرس  
اسرار کرم ز خواجه‌ی قنبر پرس  
گر طالب فیض حق به صدقی حافظ  
سر چشمه‌ی آن ز ساقی کوثر پرس<sup>۲۱</sup>

### ۷. عرفی شیرازی

از شاعران مرتبه اول در سده‌ی دهم هجری  
است که در ایران و روم و هند شهرت یافته است و  
از گویندگان بزرگ عهد خویش شمرده شده  
است.

عرفی قضیه‌ای در تمیاش مولای متقیان،  
علی (ع) دارد که مطلع و ابیاتی از آن در این جا ذکر  
می شود.  
جهان بگشتم و حقا که هیچ شهر و دیار  
نیافتم که فروشنده‌ی حجت کو یا وار  
به کاوش مژه از گورستان جف بروم  
اگر به هند به خاکم کنی و گر به تنار  
شه سریر ولایت علی عالی قدر  
محیط عالم دانش، جهان علم و وقار ...

### ۱۰. طالب اعلی

طالب اعلی (طالب) از شاعران معروف ایران  
در سده‌ی یازدهم هجری است که در دیار هند  
شهر بسبیاب یافته و در صف اول شاعران عهد  
موجود جای گرفته بود.

عرفی قضیه‌ای در مدح مولای متقیان دارد  
که مطلع و بعضی از ابیاتش چنین است:  
سیل اشکم را به توفان می زرم  
قطره جوشان و خروشان می زرم  
مهر با کین چون در آمیزم که دم  
از ولای شاه مردان می زرم

اختصاص داده است که عبارتند از:

... کس را چه زور و زهره که وصف علی کند  
جبار در مناقب او گفته هل اتی  
زور آرمای قلعه‌ی خبیر که بند او  
در یکدگر شکست به بازوی لافتی  
مردی که در مصاف، زره پیش بسته بود  
تا پیش دشمنان نهد پشت بر غزا  
دیباچه‌ی مروّت و سلطان معرفت  
لشکر کش فتوت و سردار اتقیا  
فردا که هر کسی به شقیعی زند دست  
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی  
پیغمبر آفتاب منیر است در جهان  
و بنان ستارگان بزرگند و مقتدا  
یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه  
یارب به خون پاک شهیدان کربلا ...<sup>۲۲</sup>

### ۸. خواجه شمس الدین محمد حافظ

حافظ یکی از بزرگ‌ترین شاعران نغزگوی  
ایران و از گویندگان بزرگ جهان و از «اکابر  
گردنکشان نظم» فارسی در قرن هشتم است.  
مهم‌ترین وجه حافظ قرآن‌شناسی اوست.  
ایمان حافظ آمیزه‌ای از معنویت و شریعت و

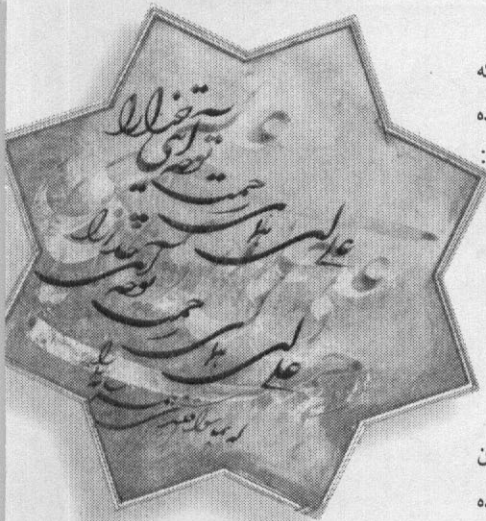
خلو انداختن خصم بر روی امیرالمؤمنین  
علی (ع) و انداختن آن حضرت شمشیر را از دست  
که با این ابیات آغاز می شود، معروف است:

از علی آموز اخلاص عمل  
شیر حق را دان منزّه از دغل ...  
او خدو انداخت بر روی علی  
افتخار هر نبی و هر ولی ...  
در زمان انداخت شمشیر آن علی  
کرد او اندر غزایش کاهلی ...<sup>۲۳</sup>

و در دفتر ششم به تفسیر حدیث غدیر خم «من  
کنت مولا فهذا علی مولا ...» پرداخته است.  
زین سبب پیغمبر با اجتهاد  
نام خود و از علی «مولا» نهاد  
گفت هر کس را منم مولا و دوست  
ابن عم من علی مولای اوست<sup>۲۴</sup>

### ۷. افصح المتکلمین

سعدی نیز ارادت‌ی خاص به علی (ع) دارد و  
دیوان سترگ خویش را جای جای به نام آن بزرگوار  
مزین کرده است، از جمله در قصیده‌ای توحیدیه  
بعد از حمد خدا و مدح رسول خدا (ص) ابیاتی به  
منقبت مولای متقیان علی (ع) و اهل بیت



در ره اخلاص آن در نجف  
بوسه بر ریگ بیابان می زخم  
خاک صحرای نجف را ز افتخار  
بر سر کحل صفاهان می زخم<sup>۲۴</sup>

## ۱۱. اشعاری که در این جا آورده شده از کتاب «سیمای محمد در آینده شعر فارسی» انتخاب شده است

با مطالعه‌ی این کتاب اشعاری را که مربوط به وصف حضرت علی (ع) می‌باشند در این جا به طور مختصر آورده‌ام.  
الف: سید خیل رسل عنوان قصیده‌ای است از شمس الفصحا میرزا محمد محیط قمی که مطلع و بعضی از ابیاتش در زیر عیناً نقل می‌شود.  
اوک صبح دوم، آخر دوران شب است  
هله عید آمده روزی خوش و وقتی عجب است  
صهر و ابن عم و اوک وصی اوست علی  
کز نهیبش به تن و جان عدو تاب و تب است  
به نبی و علی و آل، تو لا کردن  
مایه‌ی امن و امان، دافع رنج و تعب است  
شرف از مدحشنان یافته تا نظم محیط  
قدسیان را ز پی کسب شرف ورد لب است...<sup>۲۵</sup>  
ب: خلیل الله خلیلی شاعر معاصر افغانی قصیده‌ای با عنوان «آه نیمه شب» در مدح رسول خدا (ص) سروده‌اند. ابیاتی را هم از این قصیده به مدح حضرت علی (ع) و اهل بیت اختصاص داده‌اند:

آهی که نیمه شب زند از سینه سر، همی  
از طارم سپهر نماید گذر همی ...  
یارب به حق دشنه‌ی شیر خدا علی  
آن آیت شہامت و فتح و ظفر همی<sup>۲۶</sup>

ج: علی اکبر خوشدل تهرانی در قصیده‌ای با عنوان «سبب آفرینش» که در مدح رسول خداست ابیاتی را به وصف حضرت علی (ع) اختصاص داده است.

ز برج آینه ماهی درخشید  
که پرتو بر مه و خورشید بخشید ...  
گهی لعل لبش حق را جلی کرد  
گهی با دست و بازوی علی (ع) کرد  
اگر چه معجزاتش بود، وافی  
علی (ع) بر صدق احمد هست کافی<sup>۲۷</sup>

د: نوری - سیاره‌ی گیلانی - هم در شعری که با عنوان «ندای اذان» در مدح رسول خدا سروده است در ستایش حضرت علی (ع) چنین گفته است:  
خواند زبان دلم ثنای محمد  
ماند خرد خیره در لقای محمد ...  
کس نرساندش گزند، لیلی هجرت  
چون که علی خفته بود، جای محمد  
غیر علی (ع) پی نبرده است بر این راز  
آری و سوگند بر خدای محمد<sup>۲۸</sup>

هـ. صابر همدانی هم در قصیده‌ای با عنوان «خواجگی کاینات» که در مدح رسول خدا سروده است در مدح حضرت علی (ع) چنین آورده است:  
پرتو مهر است از لقای محمد  
ماه سپهر است رونمای محمد ...  
گر چه علی خود امیر ملک بقا بود  
گشت به دار فنا فدای محمد  
غیر پسر عم او که هست یدالله  
کس نبرد پی، به مدعای محمد  
در حق حیدر، که قاصر است زبان‌ها  
کرد سر و جان خود فدای محمد  
هر که به بیگانگی شناخت علی (ع) را  
از دل و جان نیست آشنای محمد  
گر علی اش نیست جان‌نشین بلا فصل  
در شب غار از چه خفت جای محمد؟  
در شب معراج، قدر و جاه علی را  
ساخت عیان ایزد از برای محمد ...<sup>۲۹</sup>  
و. طرب بن همای شیرازی در قصیده‌ای با عنوان «کیمیای جان» در مدح رسول خدا (ص) ابیاتی را به مدح حضرت علی (ع) اختصاص داده است:

از بعد حمد باری و توحید کبریا  
نعت نبی سرایم پنهان، نه بر ملا ...  
گر دوستی احمد محمود باشدت  
ها، چنگ زن به دامن معصوم مرتضا  
قسام نار و جنت، شیر خدا، علی  
سلطان اتقیا و سپهدار اولیا  
از بعد مرتضی، حسن آن شاه ممتحن  
بعد از حسن، حسین شهنشاه کربلا ...<sup>۳۰</sup>

## ۱۲. ادیب نیشابوری

ادیب نیشابوری از شاعران معاصر (قرن

سیزده و چهارده شمسی) ترکیب بندی در مدح حضرت علی (ع) دارد:  
رشک می نوشد جهان، خیزد تا مینا ز نیم  
پشت پا بر گردش نه گنبد مینا ز نیم ...  
جای آن دارد که پا بر طارم اعلی ز نیم  
تا دم از مدح علی عالی اعلی ز نیم  
شهریار راستان، فرمانروای راستین  
کش جم اندر آستان است ویم اندر آستین ...  
... شکوه ای از ما اگر کردند روز حشر  
چنگ بر تار ولای ساقی کوثر ز نیم  
حیدر صفدر که شهر علم احمد را در است  
ماسوی الله یکسر از او مشتق و او مصدر است ...<sup>۳۱</sup>

## ۱۳. الهی قمشهای

میرزا مهدی الهی قمشهای از اعظام حکما و فلاسفه‌ی این عصر به شمار می‌رود او قصیده‌ای در توحید ایزد پاک و شرح ذکر و تسبیح کلیه‌ی موجودات ذات اقدس الهی و ثنای پیغمبر و آل اطهار دارد که مطلع و بعضی از ابیاتش چنین است:

چون عاشقان بگزین ره صدق و صفا را  
خواهی چو در دل پرتو نور خدا را ...  
معشوق یزدان داستان عشق قرآن  
سر حلقه‌ی عشاق حق دان مصطفی را  
هم شاهد مشهود خوبان دو عالم  
شاهنشہ جان خسرو دین، مرتضی را  
زان پرتو سبحان و فرزندان پاکش  
اشراق رحمان جوی و انوار هدی را ...<sup>۳۲</sup>

## ۱۴. نیما یوشیج

علی اسفندیاری، «نیما» متولد ۱۳۱۵ هـ. ق هم اشعاری به سبک اشعار سنتی در مدح مولای متقیان سروده است، اوگین شعر، شعری است که در روز عید غدیر خم سروده است:

گفتی ثنای شاه ولایت نکرده ام  
بیرون ز هر ستایش و حد ثنا علی است  
چونش ثنا کنم که ثنا کرده ی خداست  
هر چند چون غلات نگویم خدا علی است  
شاهان بسی به حوصله دارند مرتبت  
لیکن چونیک در نگری پادشا علی است  
گر بگذری ز مرتبه ی کبریای حق  
بر صدر دور زودگذر کبریا علی است  
بسیار حکم ها به خطامان رود ولی  
در حق آن که حکم رود بی خطا علی است  
گری خود و اگر بخود اینم ناثش بس  
در هر مقام بر لبم آوای یا علی است<sup>۳۳</sup>

و هم چنین قصیده ی بلندی در وصف بهار و منقبت مولای متقیان علی (ع) سروده است که مطلع و چند بیت از آن در این جا ذکر می شود:

باز آمد نوروز مه دلبر و ساغر  
زان گشت همه باغ پر از ساغر و دلبر ...  
او را چه بنامم که بود نام سزاوار  
او را چه ستانم که بود آتش در خور؟  
برنایم اندر صفتش گفتن ازیراک  
من هر صفتش گویم از آن است فراتر ...<sup>۳۴</sup>

## ۱۵. استاد شهریار

شهریار شاعر پر آوازه ی پارسی گوی آذری زبان شورمان از ارادتمندان رسول اکرم (ص) و اهل بیت اطهار (ع) است. غزل مناجات، خاتم شاه ولایت، مثنوی شب و علی و قطعه های مولا علی از دریچه ی چشم مخالفین و درگه شاه ولایت و مثنوی مولا علی و شریح قاضی را در باره ی مولا سروده است و از امثال مولا علی (ع) و خطبه های او یاد کرده است که در این جا به ذکر چند نمونه می پردازیم

### چند بیت از غزل مناجات:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را  
که به ماسوا فکنندی همه سایه ی هُما را  
دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین  
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند  
چو علی گرفته باشد سر چشمه ی بقا را ...  
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
متحیرم چه نامم شه ملک لاقی را ...<sup>۳۵</sup>  
در آغاز جلد سوم دیوان سه غزل با عنوان «یا  
علی» و «علی» دارد. چند بیت از آن ها نقل  
می شود:

مستمندم بسته ی زنجیر و زندان یا علی  
دست گیر ای دستگیر مستمندان یا علی

بندی زندان رو باهانم ای شیر خدا  
می جوم زنجیر زندان را به دندان یا علی  
آهن تفتیده ام کز کوره آرنم برون  
تا بسایندم میان پتک و سندان یا علی ...  
دردمندی روسیاهم با شفاعت مستحق  
ای درت دار الشفای دردمندان یا علی  
\*\*\*

ای جلوه ی جلال و جمال خدا، علی  
وز هر چه جز خدا به جلالت جدا، علی  
در تو جمالی از ابدیت نموده اند  
ای آبیگنه ی ابدیت نما، علی ...  
فیاض در فضیلت تو گفته «هل آتی»  
لولاک در قوت تو (لافتی)، علی ...  
باز آن یهود بسته در قلعه های قدس  
بگشا به دست و پنجه ی خبیر گشا، علی ...  
صوفی هم از صفای تو برخوردار قرن ها  
گاهی صفی علی شد و گاهی صفا علی  
\*\*\*

اینک به مهد حضرت معصومه شهر قم  
برداشته منادی ایمان ندا، علی  
با نایب امام زد آن فجر نقره فام  
خورشید گو به نقره فشانند طلا، علی  
صف بسته مسلمین پی جنگ و جهاد کفر  
بفرست ذوالفقار شرر بار یا علی ...  
ما پیشوا ز مهدی موعودت آمدیم  
با وعده ی ظهور ولی کُن وفا، علی ...<sup>۳۶</sup>

### پی نوشت

۱. ابن ابی الحدید از علمای معتزلی قرن هفتم هجری است، او ادیبی ماهر و شاعری چیره دست است و سخت شیفته ی سخن مولا علی است.
۲. شبلی سمیل طیب و محقق (۱۲۶۹-۱۳۳۵ هـ. ق / ۱۸۳۵-۱۹۱۷ م.) از نظر مذهبی مسیحی بود و از طرفداران فرهنگ جدید متمایل به نظریه ی تکامل بود.
۳. الامام علی، صوت العدالة الانسانیة، جرج جرداق، چاپ بیروت، دارالفکر العربی، ج ۱، ص ۳۷.
۴. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲۸.
۵. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۹۴
۶. اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیق در زندگانی و آثار او، دکتر مهدی درخشان
۷. تاریخ ادبیات ایران، جلد اوک، دکتر ذبیح الله صفا، چاپ دهم، ۱۳۶۹، انتشارات فردوسی.
۸. تحلیل اشعار ناصر خسرو، دکتر مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، آبان ۶۳
۹. گزیده ی اشعار ناصر خسرو، به کوشش دکتر جعفر شعار، نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۳
۱۰. دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ص ۳۵
۱۱. همان، ص ۴۷
۱۲. همان، ص ۱۰۵
۱۳. همان، صص ۶-۱۸۴
۱۴. کتاب النقص، چاپ آقای محدث، ص ۲۵۲
۱۵. گزیده ی قصاید، غزلیات و ... حکیم سنایی، به کوشش مرحوم
۲۵. سیمای محمد در آینه ی شعر فارسی، محمود شاهرخی-مشفق کاشانی، ص ۸۴
۲۶. همان، صص ۹۷-۹۹
۲۷. همان، صص ۱۰۲-۱۰۳
۲۸. همان، ص ۱۴۵
۲۹. همان، ص ۱۴۷
۳۰. همان، ص ۱۶۴
۳۱. از بهار تا شهریار، جلد اوک، حسینعلی محمدی، صص ۱۶۲-۱۷۲
۳۲. همان، صص ۲۳۴-۲۴۰
۳۳. مجموعه ی کامل اشعار نیما، به کوشش سیروس طاهباز، صص ۴۷۹
۳۴. همان، صص ۵۹۵-۵۹۷
۳۵. کلیات دیوان شهریار، جلد اوک، ص ۹۸
۳۶. همان، ج ۳، صص ۱۲-۱۴
۱۶. مقدمه ی منطق الطیر، با تصحیح حمید حمید
۱۷. سیری در نهج البلاغه، استاد مطهری، انتشارات عین الهی، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۲۶۸
۱۸. مثنوی معنوی، دفتر اوک، با مقدمه و تصحیح مرحوم فروزانفر
۱۹. همان
۲۰. همان، دفتر ششم
۲۱. برگزیده ی متون ادب فارسی، ص ۱۵۲
۲۲. حافظ نامه، بخش ۱، بهاءالدین خرمشاهی
۲۳. دیوان حافظ، به تصحیح علی رفیع
۲۴. کلیات اشعار ملک الشعرا طالب آملی، به تصحیح و با مقدمه ی شهاب طاهری.